

انسان شناسی فرهنگی اقتصاد شهر تهران

(با تکیه بر تغییر اقتصاد از تولید به مصرف)

زهره نظام محله

چکیده

شهر به عنوان فضایی انسان ساخت تحت تاثیر عوامل زیادی مانند اقتصاد دارای نوعی پویایی است. اقتصاد حاکم بر آن نیز با وجود سیستم هایی مانند تولید، توزیع، مصرف، فضا و کالبد آن را دستخوش تغییر می نماید.

ما از طریق مطالعه چگونگی تغییرات ایجاد شده در این سیستم ها می توانیم تغییر در فضای شهری را بفهمیم و از همین راه ویژگی ها و فرهنگ زیسته شهروندان را نیز دریابیم.

تهران یکی از کلان شهرهای ایران است که به دلیل پایتخت بودنش مورد توجه دولت بوده، در نتیجه پول رانتهی به دست آمده در سطح این شهر و شهرهایی نظیر آن تزریق می شده که باعث پدیده نخست شهری در دهه های اخیر گردیده است.

همین امر اقتصاد مبتنی بر تولید را در شهر دچار نوعی رکود کرده و اقتصادی مبتنی بر مصرف را در حال جایگزین نمودن است.

بدین منظور حتما نیاز است شهرداری و ارگان هایی که مسئولیت مدیریت شهری را دارند در سیاست های اقتصادی خود تغییر ایجاد کنند تا از فرو رفتن شهر و فضای شهری در سیستم های مالی که قبلا امتحان خود را در سیستم های سرمایه داری جهانی پس داده است، جلوگیری شود.

کلیدواژگان: تهران، اقتصاد مبتنی بر تولید، اقتصاد مبتنی بر مصرف، بازارهای مالی، فرهنگ زیسته شهروندان

مقدمه:

شهر به عنوان یک فضا در پیوند با اقتصاد قرار گرفته و عوامل انسانی در آن تغییر ایجاد می کنند. بنابراین شهر را تنها نمی توان یک مکان زیست در نظر گرفت بلکه این شهر پویا بوده و اقتصاد پنبده ای در آن جریان دارد. در ابتدای تشکیل شهرها در ایران اگر آنها را در پی افزایش جمعیت روستاها بدانیم تا زمانی اقتصاد تولیدی مبتنی بر کشاورزی را در خود داشته اند و در کنار آن بازارهایی که محل توزیع مازاد این تولیدات بوده شکل گرفته است. با این وجود رفته رفته توزیع کالاهای دیگری نیز در دستور کار بازار قرار گرفته و تولیدات دیگری نیز به آن اضافه شده است. اما در دوره های بعدی با ورود صنعتی شدن، و اقتصاد سرمایه داری تولیدات به صنعت تغییر نمود اما با ورود پول نفت به شهر اقتصاد مالی برای کنترل این پول رشد و توسعه یافت و در دهه های اخیر قدرت پیدا کرد. این تغییر اقتصادی اندک اندک بخش تولید در شهر را دچار افت نموده و بیشتر اقتصادی مبتنی بر مصرف را جایگزین نمود و تحت تاثیر این امر بخش توزیع قدرتمند گردید. همین تغییر اقتصادی باعث شد شکل کالبدی شهر دچار تمایز گردد و بیشتر فضاها تحت سلطه بازارهای مالی، واسطه های مالی نظیر بانکها، و پاساژها و مجتمع های تجاری قرار گیرد. در نتیجه ذهنیت شهروندان نسبت به تولید به مصرف تغییر کرد و دیگر کالاها ارزش تولیدی خود را در هنگام مصرف به دست مردم نداشته و تنها پولی که بابت آن پرداخت می شود اهمیت می یابد که اگر هنوز هم تحت تاثیر پول تزریق شده از نفت باشد ارزش در حد کفایت نداشته بنابراین ما در سطح شهر شاهد مصرف رو به تزایدی هستیم که بروز خود را در کالبد شهر به شکل پرسه زنی و خرید می بینیم که تحت تاثیر تمایل بیشتر شهروندان به مکان های مصرف بوده تا تولید و کار.



فهرست مطالب:

طرح مسئله

کالبد شهری تهران و تحلیل اقتصادی- فرهنگی آن

راهبردها و راهکارها

منابع

کتابنامه

طرح مسئله:

شهر علاوه بر اینکه فضایی انسان‌ساخت بوده به مثابه یک واقعیت اقتصادی نیز قابل تعریف است زیرا ثروت بزرگی را در خود متمرکز کرده و توزیع این ثروت در سطح آن، تا اندازه زیادی بر بعد اقتصادی حیات شهری و فضاهای کاربردی شهر موثر بوده است.

بنابراین اگر بتوان به مساله تخصیص عوامل تولید، توزیع و مصرف در داخل و بین مناطق شهری پرداخت، ماهیت اقتصادی شهر به عنوان فضایی که گروه‌های انسانی در آن به فعالیت می‌پردازند قابل شناسایی و تحلیل است.

با این وجود؛ تبدیل شدن اقتصاد مبتنی بر تولید به اقتصاد مبتنی بر مصرف باعث شده اقتصاد مبتنی بر توزیع رشد و توسعه یافته و قدرتمند گردد که در واقع همان، قدرت یافتن بازارها و واسطه‌های مالی بوده که در زیرگروه اقتصاد مالی قرار می‌گیرند. همین تغییر در وضعیت کنونی، شکل و ساختار فضاهای شهری را دچار دگرگونی نموده و بسیاری از فضاهای تولیدی شهر در حال فرورفتن در سیستم‌های مبتنی بر مصرف نظیر پاساژها، بانک‌ها، مجتمع‌های تجاری و... است.

تهران؛ نیز به عنوان یکی از شهرهای چندین هزار نفری دوره ناصری که با سرازیر شدن پول نفت ظرف یک سده به شهری با بیش از ده میلیون نفر جمعیت تبدیل شده، از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. این شهر تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و جمعیتی عمیقی را پشت سر گذاشته و مهاجرت‌های پی در پی و نامنظمی را از سرگذرانیده است و همین خصیصه باعث رشد سریع جمعیت شهری و تبدیل شدن آن به یک کلان‌شهر منطقه ای- ملی گردید که چنین فرایندی، پدیده نخست شهری را به دنبال داشته است (غیبی، ۲۸: ۱۳۹۰-۳۰).

همین امر دلیلی بر توسعه فضایی سکونتگاه‌ها، نحوه توزیع منطقه‌ای جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و به دنبال آن تمرکز بیش از پیش فعالیت‌های اقتصادی گردید. اما رشد شتابان و بدون برنامه آن در دهه‌های اخیر توازن در توسعه مناطق را برهم ریخته و منجر به نوعی نابرابری منطقه‌ای در سطح شهر شده است (همان: ۳۱-۳۲).

از این رو تهران به عنوان پایتخت، در یک گسترش فضایی- جمعیتی پیوسته، باوجود داشتن رشد ناهمگن عناصر توسعه و تمرکز منابع اقتصادی- اجتماعی و... مکان اصلی تمرکز صنعت، سرمایه و خدمات بوده است.

مطابق گفته امانوئل کاستلز، تسلط نظام اقتصادی، اساس سازماندهی فضایی را تعیین می‌کند و این فعالیت‌های اقتصادی‌اند که سازماندهی فضا را برعهده دارند. اکنون نیز با وجود اقتصاد تقریباً تک محصولی و سرزیرشدن پول نفت نقش شهرها چیزی جز یک روساختار نبوده و وارد شدن این پول و سرمایه بدون پشتوانه منطق پولی را در شهر دگرگون کرده و سبک زندگی در شهر را از تولید به سبک زندگی مبتنی بر مصرف تغییر داده است.

که در واقع همان تغییر ذهنیت و نگاه فرهنگی شهروندان از تولید به فرهنگ مصرف است. حال مسئله اساسی این بوده که تغییر اقتصاد مبتنی بر تولید تحت تاثیر ورود پول بدون پشتوانه به شهر به اقتصاد مبتنی بر مصرف چگونه فضاهای شهری را دچار دگرگونی نموده است؟ و آیا این دگرگونی در جهت تخریب فضاهای شهری است؟ و آیا این تخریب، فرهنگ زیسته شهر را به سمت زوال و نابودی می کشاند؟ و چگونه؟

برای پاسخگویی به مسئله اصلی که طی روند تغییر اقتصاد شهر رخ داده می بایست به سوالات خردتری نیز پاسخ گفت:

۱. ویژگی های کالبدی و فضاگونه شهر تهران چیست؟ و تحت تاثیر چه عواملی شکل گرفته است؟
۲. منظور از اقتصاد مبتنی بر تولید و اقتصاد مبتنی بر مصرف در شهر تهران چیست؟
۳. این اقتصاد مبتنی بر مصرف چگونه عامل قدرت یافتن بازارهای مالی و بخش توزیع، در اقتصاد شهر تهران می گردد؟
۴. روند این تغییر اقتصادی در زمان کنونی چه تاثیر داشته و چه تغییری در فضاهای شهری تهران ایجاد کرده است؟ و آیا می توان آن را یکی از دلایل عدم شکل گیری هویت محله ای دانست؟
۵. شهروندان تهران چه ذهنیتی درباره پول و درآمدی که کسب یا خرج می کنند دارند؟
۶. روند تغییر اقتصاد تولیدی به اقتصاد مصرفی چه تاثیری بر ذهنیت آنها در مورد درآمد و هزینه شان داشته است؟ یعنی شهروندان تهران چگونه در سطح شهر درآمد خود را خرج می کنند؟ و گذران زندگی دارند؟
۷. شهرداری تهران به عنوان یک نهاد که شهر را سازماندهی می کند چگونه می تواند تخریب فضاهای شهری توسط اقتصاد مصرفی را مدیریت نماید؟

مطابق براین گفته ها **هدف اصلی** از این پژوهش مطالعه اقتصاد شهری تهران با نگاه و رویکردی فرهنگی است که آن را از صرف زاویه دید اقتصادی خارج می نماید و به شهر فقط به عنوان یک فضا که هویتی تنها اقتصادی داشته نمی نگرد. **اهمیت** انجام این پروژه زمانی مشخص می شود که بسیاری از مسائل ایجاد شده در شهر تهران که نگاهی تک بعدی (اقتصادی) به آن می شده، از زاویه دیگر (فرهنگی) پرداخته شود و از پیچیدگی این مسائل اندکی کاسته گردد.

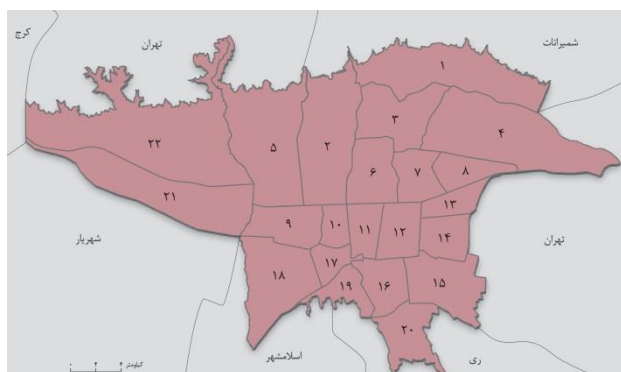
در خصوص ارتباط بین فرهنگ و توسعه اقتصادی در شهر دو عقیده مختلف وجود دارد: عده ای از اندیشمندان به تبعیت از مارکس براین عقیده اند که اصل اساسی، اقتصاد، شیوه های تولید و تحولات و تغییرات آنها بوده و فرهنگ تابعی از تحولات اقتصادی و تکنولوژیکی است. به این معنا که فرهنگ تابع نظام اقتصادی و شیوه تولیدی است و همواره خود را با تحولات و تغییرات مذکور هم پا و همراه می سازد. دیگر دانشمندان به تبعیت

از جامعه‌شناس نامدار ماکس وبر معتقدند که پایه و اساس هرگونه پیشرفت و توسعه، فرهنگ است و در واقع، اقتصاد از فرهنگ تغذیه می‌کند. به نظر این عده، توسعه فرهنگی همگام با توسعه اقتصادی نیست، بلکه فرهنگ مقدم و فراتر از آن می‌باشد.

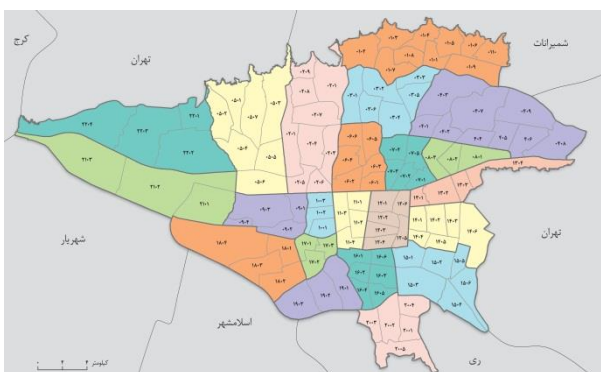
برای این مطالعه به دلیل گستردگی و عدم تمرکز موضوعی بر مطالعات اقتصادشهری تهران از **روش فراتحلیل کیفی** استفاده شده است. روش فراتحلیل کیفی به گستره‌ای از تحلیل تحلیل‌ها اطلاق می‌گردد که به عنوان رهیافت موثری در خلاصه کردن توده‌ای از تحقیقات گذشته وارد روش پژوهش شد. فراتحلیل از قبل پیش‌داوری نمی‌کند، ذهنی نیست و برخی مطالعات را به خاطر ضعیف بودن کنار نمی‌گذارد. بلکه با بررسی تجربی اثر کیفیت پژوهش بر یافته‌ها، نتایج قوی‌تر و عینی‌تری به دست می‌دهد، با رویکرد فراتحلیل ما می‌توانیم برخی از شکاف‌های موجود در پیشینه، دانش و برخی موارد ضعف‌های نظری را آشکار کنیم (ظهیری، ۱۳۹۰: ۴۲).

کالبد شهری تهران و تحلیل اقتصادی- فرهنگی آن

تهران به عنوان پایتخت کشور تحولات بسیاری را از سرگذرانیده که این تحولات بر ویژگی‌های کالبدی و حیات شهری آن تأثیرات گسترده‌ای داشته‌است. با این وجود تهران طبق تقسیمات اداری کشور (سال ۱۳۸۵) شامل ۲۲ منطقه بوده که هر منطقه بنا بر ظرفیت فضایی به نواحی کوچکتری نیز تقسیم شده است.

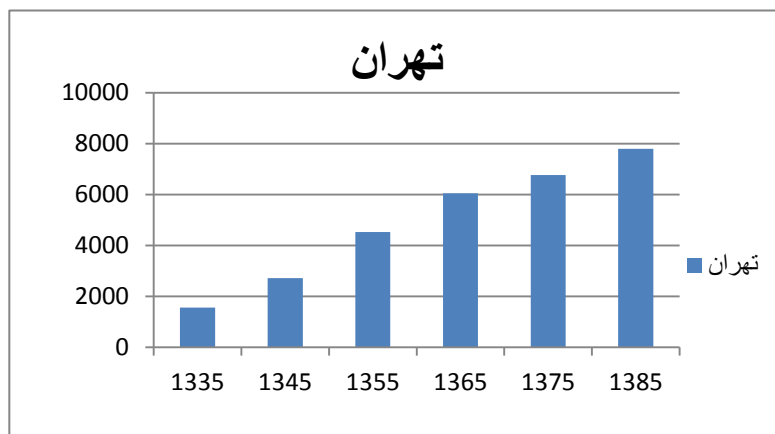


شکل ۲: شهر تهران به تفکیک مناطق (۱۳۷۵)



شکل ۱: شهر تهران به تفکیک نواحی (۱۳۸۵)

از جمله عواملی که بر کالبد شهر تهران اثر گذاشته، جمعیت و رشد آن طی دهه‌های متمادی است. جمعیت تهران مطابق آخرین آمار در سال ۱۳۸۵، حدود ۷۷۹۸۰۰۰ نفر بوده که روند رو به افزایشی را نشان می‌دهد.



۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	شهر
۷۷۹۸	۶۷۵۹	۶۰۴۲	۴۵۳۰	۲۷۱۹	۱۵۶۰	تهران

نمودار ۱: جمعیت شهر تهران طی سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ (هزار نفر)

از نظر جمعیت‌شناختی قابل توجه بوده که سهم جمعیت شهر تهران از جمعیت کشور طی دو دهه گذشته کاهش یافته است (از ۱۳/۴ درصد به حدود ۱۱/۷ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۵) که از دلایل آن می‌توان به سیاست‌های تمرکززدایی از تهران اشاره کرد.

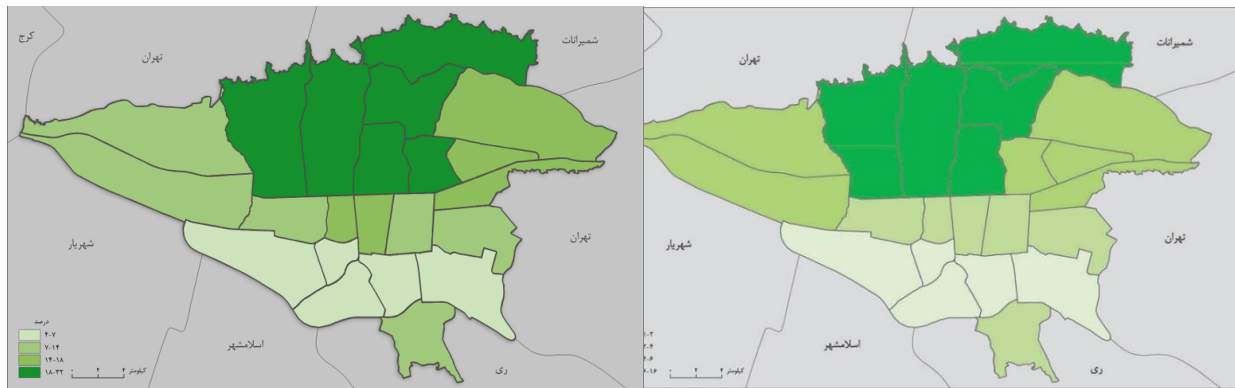
علی‌رغم اینکه شهر تهران با روند رو به رشد جمعیتی مواجه بوده اما این رشد را می‌توانیم در شهرهای اطراف تهران به مراتب بیشتر از شهر تهران ببینیم به‌طوری که رشد شهر تهران طی دهه‌های اخیر کاهش یافته و بر جمعیت پیرامون آن افزوده شده است (اطلس شهر تهران). علاوه بر این؛ ما با یک انتقالِ ثقلِ جمعیت از مرکز شهر تهران به پیرامون آن مواجه هستیم که در طی آن مناطق مرکزی شهر جمعیت خود را از دست داده و بر جمعیت مناطق حاشیه‌ای افزوده می‌گردد. به‌طوری که رشد جمعیت مناطق ۶، ۱۳، ۲۰ و ۱۴ منفی بوده و منطقه ۴ بالاترین سهم جمعیت و منطقه ۲۲ بالاترین رشد جمعیت را داشته- اند (<http://atlas.tehran.ir/Default.aspx?tabid=80>).

کاهش جمعیت شهر تهران نسبت به شهرهای پیرامونش عمدتاً به دلیل هزینه‌های بالای سکونت و زندگی در این شهر است که سبب شده ما با تغییراتی در ساختار اجتماعی مواجه شویم یعنی با خروج گروه‌های کارگری ماهر و ساده از شهر تهران ما با کاهش سکونت این گروه در سطح شهر مواجه هستیم که همین امر می‌تواند اسکان بیشتر دهک‌های درآمدی بالا را در شهر تهران و سکونت دهک‌های کم درآمد در حاشیه تهران را منجر شود.

از منظر اقتصادی نیز ساختار فعالیت در شهر تهران نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از فضاهای فعالیت در شهر به عنوان فعالیت پایه می‌باشد. براساس اطلاعات مرکز آمار در سال ۱۳۸۵، تهران همچنان مهمترین قطب صنعتی کشور بوده و ۳۴/۰۸ درصد کارگاه‌های صنعتی، ۲۹/۸۴ درصد ارزش افزوده و ۳۳/۸ درصد شاغلان بخش صنعت کشور را به خود اختصاص داده است. صنعت، مسکن، مستغلات، فعالیت‌های مرتبط با عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر و وسائل نقلیه و کالاهای جز پنج فعالیت اقتصادی عمده ایجادکننده ارزش افزوده می‌باشد (پورموسوی، ۱۳۹۱: ۳۰). در سال ۱۳۷۵ مستغلات و فعالیت کسب و کار، صنعت، خرده‌فروشی، خدمات عمومی و ساختمان به ترتیب با داشتن ۲۷، ۱۶، ۱۴/۵ و ۷/۵ درصد از تولید ناخالص شهر، مهم‌ترین رشته‌های فعالیت بوده‌اند. این نسبت در سال ۱۳۷۹ به ترتیب به ۲۹، ۱۵، ۲۱ و ۶/۸ درصد تغییر یافته است. که در واقع بخش مستغلات با وجود تعداد بسیار اندک شاغلان، سهم بالایی در تولید ناخالص تهران داشته، از میزان بخش صنعت کاسته شده و خرده‌فروشی نیز افزایش داشته است.

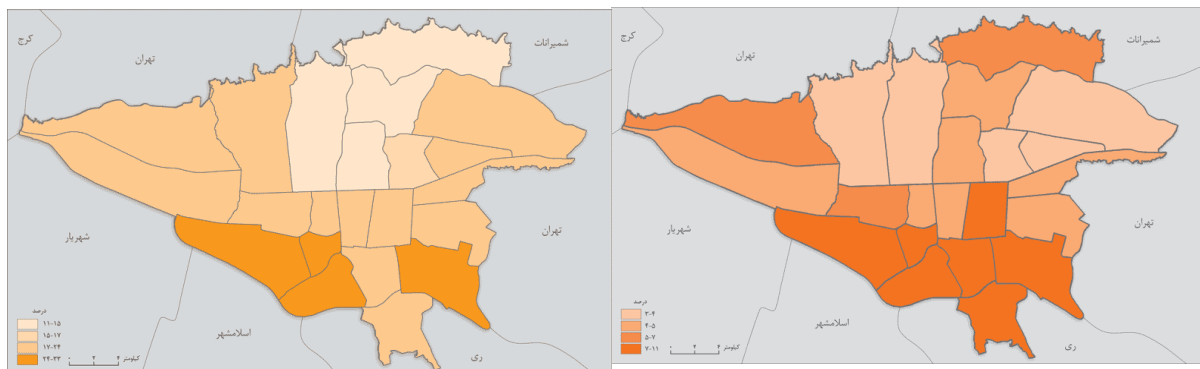
چگونگی توزیع این فعالیت ها در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران تا حدودی ساختار و قشر بندی اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده و پهنه های جمعیتی معناداری را ایجاد کرده، فرهنگ و مرزهای محله ای درون این مناطق را نیز دستخوش تغییر نموده است.

- در مناطق یک تا سه خدمات تجاری، گردشگری و دفاتر اداری سازمانهای برون مرزی مانند نمایشگاه، سفارتخانه وجه مشخصه ساختار فعالیتی آن را بیان می کند.
- ساختار منطقه چهار را هشت محور فعالیتی که طیفی از صنایع مبیل سازی، رنگرزی، فروش مصالح ساختمانی و تعمیر خودرو را دربرمی گیرد، تشکیل می دهد. استقرار مراکز نظامی نیز چهره خاصی به این منطقه داده است.
- وجه عمده منطقه ۵ سکونی بوده و فعالیت مهمی در آن به چشم نمی خورد.
- مشخصه عمده منطقه ۶ و ۷ استقرار مراکز بزرگ بیمارستانی و آموزشی و برخی دفاتر تجاری است.
- در منطقه ۸ عمدتاً فعالیت های بازرگانی مستقر هستند.
- غلبه فعالیت ها حمل و نقل و انبارداری وجه مشخصه اصلی فعالیت ها در منطقه ۹ است.
- در مناطق ۱۰/۱۱/۱۲ به دلیل قرارگیری بازار، طیف وسیعی از فعالیتها از ادارات مرکزی و صنایع بزرگ در مناطق حاشیه ۱۰ تا راسته های تجاری در منطقه ۱۱ و ۱۲ مستقر شده است.
- وجه غالب فعالیت در منطقه ۱۳ با فعالیت هایی همچون فروشی ها، لاستیک فروشی ها و تعمیر وسایل نقلیه است.
- منطقه ۱۴ و ۱۵ عمدتاً دارای وجه سکونتی بوده و مراکز فعالیتی آن عمدتاً جهت ارائه خدمات به ساکنان ایجاد شده اند.
- در مناطق ۱۶ و ۱۷ طیفی از فعالیت های انبارداری، حمل و نقل، مبیل سازی، کیف سازی و آلومینیوم سازی ها مستقر شده اند.
- مناطق ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از یک طرف مرکز استقرار فعالیت های صنعتی مانند بازیافت و صنایع فلزی و برخی از صنایع پوشاکی بوده و از طرف دیگر فعالیت هایی مانند انبارهای ضایعات، تعمیر وسایل نقلیه سنگین، کوره آجرپزی در آن مستقر شده اند.



شکل ۴: جمعیت شاغل براساس وضعیت شغلی؛ متخصصان

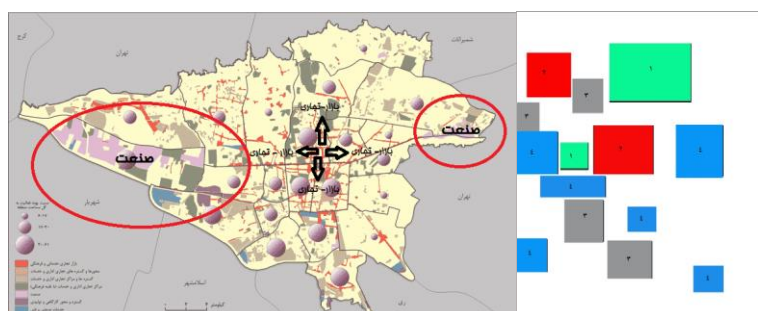
شکل ۳: جمعیت شاغل براساس وضعیت شغلی؛ قانونگذاران و مدیران



شکل ۶: جمعیت شاغل براساس وضعیت شغلی؛ صنعت

شکل ۵: جمعیت شاغل براساس وضعیت شغلی؛ کارگران ساده

درمجموع ساختار کالبدی شهر تهران را، تحت تاثیر فعالیتهای غالب در آن، می توان به صورت قطاعی دانسته که دارای یک مرکز تجاری اصلی در ناحیه مرکزی شهر و شمال بازار و دو مرکز فرعی مهم (شمیرانات و ری) و چندین مرکز خردهفروشی در میدانها است. واحدهای صنعتی تهران، در مناطق جنوبی و غرب تهران مستقر بوده، به طوری که، کارگاههای صنعتی کوچک در مناطق جنوبی و کارخانجات صنعتی در مناطق غربی و جنوب غربی واقع شده است (عابدین درکوش، ۱۳۷۲: ۵۰). همین امر توانسته پهنههای جمعیتی ویژه تهران که به نوعی نشانگر هویت خاص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و ارائه دهنده چشم اندازهای متفاوت موجود است را بسازد. تهران از جمله شهرهایی بوده که در دورههای مختلف به دلایل متعددی از میزان جمعیت آن کاسته یا به آن افزوده گردیده است.



شکل ۷: سازمان فضایی شهر از نظر فعالیت غالب اداری، تجاری، خدماتی و صنعتی (۱۳۸۵)

یکی از دلایل آن رشد شهرنشینی و ایجاد صنایع بوده که به دنبال آن تهران را در جایگاه نخست شهری در میان دیگر شهرهای ایران قرار داده و در پی آن مهاجرت را منتج شده است که حجم این مهاجرت تحت تاثیر عواملی چون: اصلاحات ارضی، طرح‌های توسعه‌ای و انقلاب، افزایش یا کاهش می‌یافت. در دوره مدرنیزاسیون اول به دلیل تمرکز برنامه‌های توسعه بر منطقه شمالی تهران، شکافی اولیه میان سکونت گروه‌های مختلف اجتماعی شهر ایجاد گردید. طی این دوره محله‌های مهاجرنشین و کارگری عمدتاً در منطقه جنوبی شهر توسعه یافتند. اما به رغم گسترش سطح شهر و تمایز محلات کارگری آن، پیوستگی فضایی در الگوی اسکان مهاجرین، بر روند گسیختگی و جدایی غلبه دارد.

در دهه ۴۰ شمسی در نتیجه رشد جمعیت و تراکم فعالیت‌های اقتصادی در شهر، زمین شهری مرکز شهر ارزشمند گردید. بنابراین انتقال کارگاه‌های صنعتی به حاشیه شهر یعنی جنوب و غرب تسریع شد. علاوه بر آن بهبود شبکه ارتباطی و حمل و نقل در منطقه و برنامه‌های تمرکز زدایی این صنایع در مناطق دورتری استقرار و همراه آن جمعیت شاغل در این صنایع تمایل بیشتری به استقرار در نواحی پیرامون آن یافتند.

رفته رفته با اعمال سیاست‌های تمرکززدایی و کاهش سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در تهران طی برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم به تدریج مراکز دیگر استان‌های کشور رشد کرده و سهم تهران در مهاجرت‌های بین استانی کاهش می‌یابد.

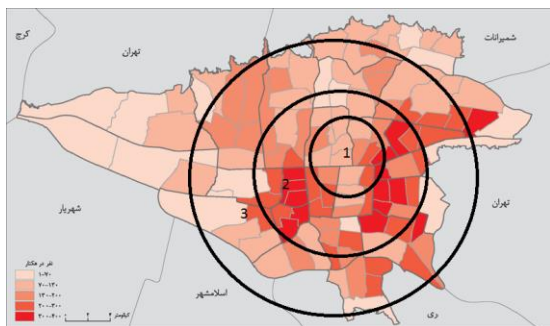
انقلاب اسلامی موجب درهم شکستن مقاومت‌های اداری در مقابل رشد حاشیه‌های شهری و ادغام نواحی حاشیه‌ای در شهر شد. بنابراین سال‌های اولیه انقلاب مرحله مهمی در ادغام اقشار کارگر و تهی‌دست در ساختار اجتماعی و فیزیکی شهر گردید. رکود اقتصادی ناشی از انقلاب در سراسر کشور و کاهش کنترل‌های مدیریت شهری، مجدداً تهران را به مرکز مهاجرت‌های کشور تبدیل کرد. اما با پایان جنگ ایران و عراق و تقویت نظارت‌ها و کنترل‌های رسمی بر ساخت و ساز در تهران و شروع برخی پروژه‌های عمرانی در استان‌های دیگر از روند مهاجرت کاسته شد. پس از پایان جنگ با سیاست‌های اسکان تهی‌دستان شهری روبرو هستیم که جابه‌جایی جمعیت از داخل شهر تهران به پیرامون آن موجب رشد جابه‌جایی‌های داخلی در منطقه می‌گردد.

به دلیل وابستگی مهاجرت‌های شهر تهران به صنایع موجود و کار و اشتغال می‌توان رابطه معناداری را در پراکندگی مهاجرین مشاهده نمود. در سال ۱۳۷۵ مهاجرین بیشتر در مناطق غربی که صنایع قرار گرفته‌اند، اسکان

یافتند. و در بخش‌های مرکز به شمال که تقریباً ال مانند است. اما در سال ۱۳۸۵ با کاهش مهاجرت در این منطقه روبرو بوده‌ایم اما باز هم می‌توان این تراکم را در بخش غربی مشاهده نمود.

با توجه به سیر مهاجرت‌های این دسته از کارگران فصلی در دهه‌های ۱۳۳۰ و خصوصاً دهه ۱۳۴۰، و اسکان دائم آنها در مناطق حاشیه‌ای تهران، بر اساس نوع روابط قومی و خویشاوندی که هر کدام از این کارگران در روستاهای مبدأ و میان اقوام و فامیل خود داشتند، تمایل به چنین مهاجرت‌هایی در بین دیگر افراد و خانواده‌ها در روستاهای مبدأ و روستاهای همجوار افزایش یافت و بدنبال آن بخشی دیگر از روستائیان از اوایل دهه ۱۳۵۰ به تهران مهاجرت کردند. این روند به یک مهاجرت تدریجی و ملایم در بین روستاهای منطقه آذربایجان، خصوصاً اردبیل، سراب، میانه، هشتروند و زنجان تبدیل شد و زمینه را برای مهاجرت گسترده و بزرگ در یک فرصت مناسب آماده کرد (پژوهش‌های مردم‌نگاری محلات تهران، منطقه ۱۹، توسط موسسه میراث فردا)

با توجه به توضیحاتی که از نظر کالبدی درباره شهر تهران داده شده متوجه شدیم که چند عامل در شکل دهی آن موثر است: **یکی جمعیت**؛ که بیشترین تراکم را در دایره دوم فضایی قابل مشاهده است که در واقع مناطق ۱۴/۱۷/۱۰ هستند.



شکل ۸: تراکم جمعیت شهر تهران در سال ۱۳۸۵

دوم مهاجرت؛ که باعث شکل‌گیری فضاهای مرکز-پیرامون در سطح شهر شده، که باز هم مناطق جنوبی و مرکزی شهر را در بر می‌گیرد از دلایل آن هم می‌توان به ارزان بودن زمین در این مناطق اشاره کرد.

سوم سطح تولید؛ که باعث شکل‌دهی نوعی از تغییرات فضایی شده که مبتنی بر اشتغال است. یعنی تولیدات صنعت و استقرار صنایع باعث شکل‌دهی فضای کارگری در اطراف خود شده و اغلب نیز گروه‌های مهاجر را در بر می‌گیرد، تولیدات خدماتی نوعی کارمندان اداری و متخصصین را در اطراف خود اسکان داده است، دیگر تولیدات تجاری؛ که باعث شکل‌گیری گروه‌های تاجرین و فروشندگان شده است.

در پیرامون این سبک از تولیدات، ما در مرکز شهر (مناطق ۷/۶/۱۲/۱۱) فضاهای تجاری و بازار را داشته، در حاشیه آن نوعی اختلاط بین کارکرد مسکونی، تجاری، تفریحی و فرهنگی را داشته و در حاشیه نیز فضاهای صنعتی

است که این سطح از فعالیت و تولید نوعی قشربندی اجتماعی را از نظر درآمد و هزینه در شهر ایجاد نموده است. که هویت محله ای را به دلیل ایجاد نوعی آنومی به مخاطره انداخته است و از دلایل آن می توان یکی به این دیدگاه دورکیم اشاره کرد؛ صنعتی شدن نیازهای را شعله ور می سازد و دیگر کدهای اخلاقی نمی توانند این میل به زیاده خواهی را کنترل نمایند. از منظر او مشکل اساسی در این است که نظام سرمایه داری می کوشد کدهای اقتصادی مثل نفع شخصی را به جای کدهای اخلاقی بنشانند و همین سرچشمه بحران در جامعه است (کوثری، ۱۳۸۸: ۴۵). و دیگری مهاجرت به دلایل اشتغال در این صنایع است.

اما در دهه های اخیر در شهر تهران ما با نوعی تغییر اقتصادی مواجه شدیم که شهر تهران را از صنعت تولیدی به صنعت مالی کشانده است. یعنی همان اقتصاد مبتنی بر تولید به اقتصاد مبتنی بر مصرف.

ریشه این امر را می بایست با اهمیت یافتن درآمدهای نفتی در اقتصاد کلان کشور به ویژه در سالهای پس از اصلاحات ارضی دانست که تا کنون نیز ادامه یافته و با وجود تلاشهایی که در سالهای بعد از انقلاب انجام شد باز هم نتایج بهینه ای دریافت نگردید. در پی آن اقتصاد ملی و در راس آن اقتصاد شهری از وابستگی به تولید تغییر پایگاه داده و به درآمدهای حاصل از فروش نفت یا مازاد ملی متکی شده و بدین ترتیب دولت به اصلی ترین متولی توزیع و هزینه کردن این درآمدها و تزریق آن در جوامع شهری تبدیل گردید (رهنمایی، ۱۳۸۹: ۴۷) و به دلیل پایتخت بودن تهران، این کلان شهر از اهمیت ویژه ای برخوردار شد. با تزریق این پول به شهر اقتصاد دچار تغییر گردید و شکل آن از تولید به توزیع متمایز شد. به همین دلیل بازارهای مالی مانند بورس شکل گرفت و حتی شکل سنتی بازار بزرگ تهران نیز تغییر کرد و بسیاری از کارگاه های تولیدی آن بسته شد و بازار تبدیل به یک مرکز بزرگ توزیع در سطح کشور بدل گردید. علاوه بر آن واسطه های مالی مانند بانک ها در سطح شهر رشد سریع یافته و فضاهای تولیدی کوچک را در خود بلعیده اند. دلیل این امر را یکی می توان کنترل تزریق پول بدون پشتوانه در سطح شهر و مصرف آن توسط شهروندان دانست. یعنی شهروندان بیشتر پول خود را در این واسطه های مالی پس انداز کنند. این امر باعث گردید که بخش توزیع تحت تاثیر مصرف قدرتمند گردد.

واژه رانت را در فارسی به بهره جویی ترجمه کرده اند و معمولاً به کسی می گویند که : درآمد وی از کار به دست نمی آید. رانت، ارزش اضافی حاصل برای عرضه کننده نسبت به بهاء یا هزینه متعارف کالا، یا خدمات تولید شده است و به صورت دخالت در بازار با محدود کردن عرضه، داشتن امتیاز خاص و کسب هزینه های خاص باید حاصل شود (مهدوی وفا، ۱۳۸۸: ۴).

علاوه بر این تاکید بر توزیع تحت تاثیر مصرف باعث شده شکل نوینی از بازارها مانند مجتمع های تجاری و پاساژها شکل گیرد که فضاهای شهری را در نوردیده و در حال تغییر آنهاست زیرا این فضاها هم قدرت پولی را داشته و هم فضای آسوده ای را برای خریداران فراهم می کنند زیرا تحت تاثیر اندیشه سرمایه داری این خریداران هستند که اهمیت می یابند و تنها از طریق ایجاد رفاه در فضا و لوکس بودن کالاهای و ایجاد حس نیاز کاذب این بازارها می توانند به سود خود برسند. برای این منظور نیاز است که به وضعیت مصرف در سطح شهر تهران بپردازیم و درآمدها و هزینه های را بررسی نماییم.

در کنار توزیع فعالیت های اقتصادی که پهنه های جمعیتی را در کالبد شهر تهران شکل می دهند، وضعیت درآمد و سبد هزینه خانوارهای ساکن تهران نیز نوعی ساختار فضایی مخصوص به خود را پدید آورده و تفاوت های قابل توجهی را در مناطق ۲۲گانه تهران ایجاد نموده است.

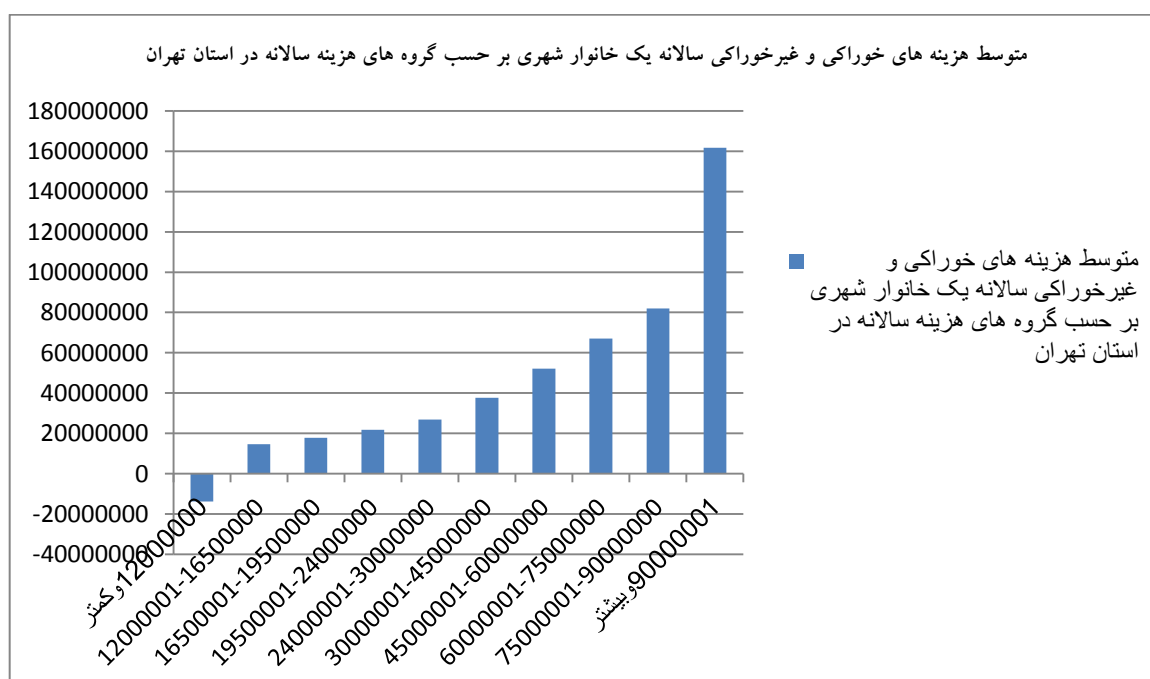
اگر ما بتوانیم متوسط هزینه یک خانوار در دهک های مختلف هزینه ای را بررسی کنیم و ببینیم که این خانواده ها چگونه درآمد کسب شده خود را خرج و مصرف می کنند می توانیم تا حدودی به سطح رفاه بین مناطق مختلف شهری تهران دست یابیم. و بفهمیم که این گروه های متفاوت از نظر درآمدی، چگونه هزینه های خود را مدیریت می کنند و درآمد خود را در سطح شهر چگونه به مصرف می رسانند؟ دانستن این قضیه باعث می گردد تا نهادهای مدیریتی نظیر شهرداری به سمت اینکه سیاستهای یکسانی را برای رفاه شهروندان هر منطقه به کارگیرد، نرفته و سعی نماید که برای هر منطقه جداگانه تصمیم بگیرد.

علاوه بر این درآمد و هزینه شهروندان این امکان را برای ما فراهم می کند که از ذهنیت آنها نسبت به مصرف آگاهی یابیم و از تسریع روند رفتن به سمت یک اقتصاد مصرفی که هزینه سنگینی را برای شهرداری داشته، جلوگیری کنیم تا بتوان فرصتی برای برنامه ریزی بدین منظور یافت.

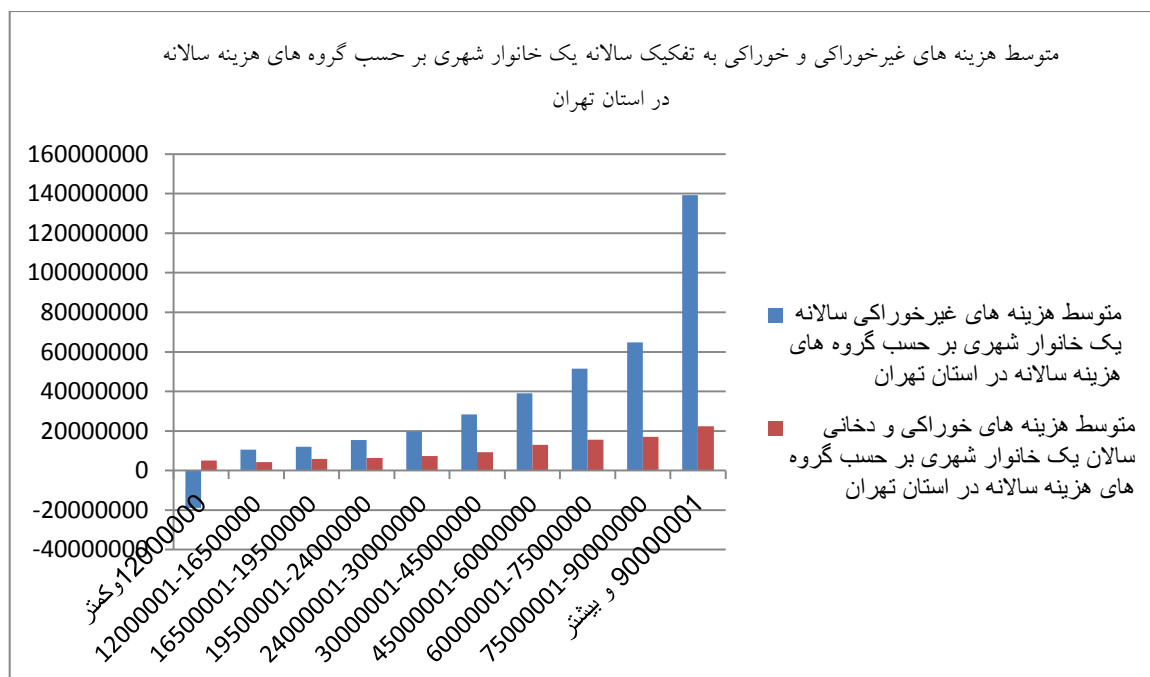
بررسی های آماری انجام شده بیانگر آن است که متوسط هزینه سالانه یک خانوار در شهر تهران در سال ۱۳۸۰ حدود ۴۴/۵ میلیون ریال می باشد که کمترین میزان مربوط به منطقه ۱۷ با هزینه ای معادل ۳۳ میلیون ریال و بیشترین میزان مربوط به منطقه یک با هزینه ای معادل ۸۸ میلیون ریال طی سال است. این دو عدد بیانگر آن است که اختلاف بین کمترین و بیشترین میزان در حدود ۶۴/۸ میلیون ریال است که در حدود ۱/۵ برابر متوسط شهری است. براساس آمار موجود متوسط هزینه سالانه یک خانوار در مناطق ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و پایین تر از متوسط شهر و مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۱۳ و بالاتر از متوسط شهر است.

در این میان بیشترین میزان به ترتیب مربوط به مناطق ۱، ۳، ۲، با ۷۷، ۸۸ و ۶۹ میلیون ریال و کمترین میزان به ترتیب مربوط به مناطق ۱۷، ۱۹، ۱۸ با ۲۳، ۲۳/۱۵ و ۲۴ میلیون ریال است. مشاهده می شود که مناطق شمالی شهر در مقایسه با مناطق جنوبی شهر دارای متوسط هزینه بالاتری هستند.

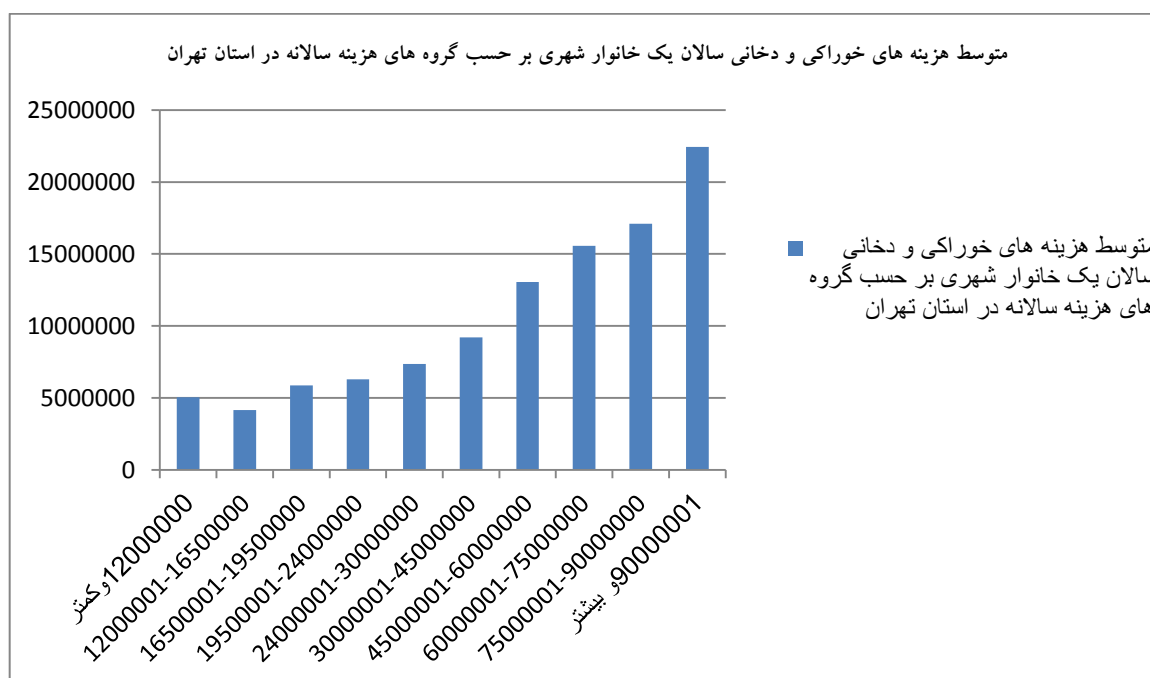
هزینه های یک خانوار به دو بخش خوراکی و غیرخوراکی تقسیم بندی می شود که هر کدام شامل اقلام مختلف است. در این میان، هزینه های غیرخوراکی شامل موارد متعددی از جمله هزینه مسکن، حمل و نقل، ارتباطات، تفریحات و سرگرمی ها و ... است که این میزان از هزینه ها ارتباط مستقیم با امکانات شهری دارد. از این رو می توان گفت هرچه درآمدهای یک خانوار بیشتر باشد، نرخ بهره وری آن خانوار نیز از امکانات شهری بیشتر خواهد بود.



نمودار ۲: متوسط هزینه های خوراکی و غیرخوراکی سالانه یک خانوار شهری بر حسب گروه های هزینه سالانه در استان تهران



نمودار ۳: متوسط هزینه های غیرخوراکی و خوراکی و دخانی به تفکیک سالانه یک خانوار شهری بر حسب گروه های هزینه سالانه در استان تهران



نمودار ۴: متوسط هزینه های خوراکی سالانه یک خانوار شهری بر حسب گروه های هزینه سالانه در استان تهران

همان گونه که از نمودارها مشخص است در شهر تهران بیشتر هزینه ها مربوط به بخش غیرخوراکی است که در دهک های بالای جامعه در مناطق شمالی نسبت به دهک های پایین جامعه در مناطق جنوبی با تفاوت فاحشی

روبه روست. از این رو تولید و توزیع کالاها و خدمات برای شهروندان نمی بایست مطابق سیاست های یکسان سازی و مدیریت یکپارچه قرار گیرد. زیرا هر منطقه مطابق با شرایط شهروندان و سطح رفاه خود دست به مصرف می زند.

مصرف گرایی یعنی از کالاها به منظور رفع نیازها و امیال استفاده نمود. این عمل نه تنها شامل خرید کالاها و مادی می شود، بلکه دربرگیرنده خدمات نیز هست. در جوامع نوین مصرف گرایی به یک فعالیت اجتماعی اصلی تبدیل شده است. برای مصرف گرایی مقدار زیادی وقت، انرژی، پول، خلاقیت و نوآوری تکنولوژیکی مصرف می شود. مطالعه مصرف گرایی در جوامع جدید از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا مصرف گرایی نه تنها مسئله مصرف گرایان است بلکه تولیدکنندگان و توزیع کنندگان کالاها، خدمات نیاز به درک خصوصیات و ویژگی های آن دارند. مصرف گرایی یکی از پدیده های اقتصادی است که پس از انقلاب صنعتی در تهران رونق چشم گیری پیدا کرد. سوال اساسی این است که چرا شهروندان تهرانی گرایش به مصرف گرایی دارند؟ و چه ذهنیتی درباره پول و چگونگی مصرف آن در سطح شهر دارند؟ هنگامی که زیربنای مناسب تولید و درآمدی وجود نداشته باشد و درعین حال بر مصرف تاکید شود، آسیب های متعددی در جامعه بروز می کند. در شرایط رونق اقتصادی و بالا رفتن قدرت خرید مردم، مصرف گرایی رواج می یابد ولی عوامل فرهنگی در تعیین حدود آن بسیار موثر اند. از جمله عوامل مهم کنترل مصرف: تشویق مردم به پس انداز و سرمایه گذاری، ارائه الگوهای صحیح مصرف و ایجاد زمینه مناسب جهت فعالیت اقتصادی است. (به دلیل تزریق پول نفت در دوره های اولیه شهرنشینی در ایران به ویژه تهران ما با رونق اقتصادی در شهر مواجهیم و همین امر باعث می گردد که مصرف گرایی رواج یافته و جز فرهنگ و سبک زندگی روزمره و عادات گردد که تغییر و ترک آن اندکی دشوار است بنابراین تغییر و نوسان در قیمت نفت که باعث نوعی رکود اقتصادی در شهر می گردد باعث فشار بر مردم شهری می شود.) که تنها راهکار موجود برای جلوگیری از رواج مصرف گرایی در شرایطی که رونق اقتصادی با پول بدون پشتوانه وارد شده به شهر رخ می دهد همان پس انداز و سرمایه گذاری است که همین عامل باعث رونق بازارهای مالی در سطح شهر گردیده و در پیرو وارد شدن هرچه بیشتر پول بدون پشتوانه این بازار قدرت بیشتری یافته و در نتیجه بسیاری از فضاها و بنگاه های تولیدی را در خود فرو می برد. و خود دست به تخریب فضاها و تولیدی در شهر زده و عامل قدرت یافتن هر بیشتر بخش توزیع می گردد که خود دلیل بر ادامه یافتن سیکل معیوب اقتصادی و رواج مصرف گرایی است.

برای نمونه می توان به وجود بانک ها به عنوان واسطه های مالی در شهر اشاره کرد یا پاساژها که نوعی از رواج مصرف گرایی در سطح شهر است یعنی شکل جدیدی از لوکس بودن کالاها و فضای آسایشی که هنگام خرید در پاساژ فراهم است باعث می گردد که بسیاری از شهروندان ترجیحا در این مکان ها حضور پررنگی داشته باشند و ما با نوعی فرهنگ پرتی در سطح شهر مواجه شویم.

در تهران از سالهای گذشته تا امروز هر روز شاهد گشوده شدن رو به تزاید مغازه ها یا پاساژهای تجاری هستیم. این روند رو به رشد محصول تمایل اقتصاد خرد غیرتولیدی در ساختار کلان حاکم بر جامعه است که شهر انعکاس فضایی آن می باشد. همین مطلب را اگر از زاویه ای دیگر نگاه کنیم، یعنی محدودیت های ساختاری موجود بر سر راه تاسیس مراکز تولیدی و فقدان مدیریت کلان پولی برای هدایت جذب سرمایه های خرد به سمت انباشت مولد، بروز آن در شهر همین ازدیاد مکان ها و فضاهای خرد تجاری است (حائری، بی تا: ۷۱).

مصرف گرایی نوین مستلزم برنامه ریزی بوده که در اثر گسترش سرمایه داری در ایران رواج پیدا کرد. که هدفش از همان ابتدای پیدایش سودسازی بود. برای چنین هدفی تولید بیشتر، فروش بیشتر، سرمایه گذاری بیشتر و مجددا تولید بیشتر مدنظر است. به عبارت دیگر در یک چرخه، هدف، فروش کالاهای بیشتر و در نتیجه سود بیشتر است. ابتدا فکر می کردند که طبقات بالا و اشراف خریداران اصلی کالاهای سرمایه داری باید باشند. اما به تدریج متوجه شدند که سرمایه داری با تولید انبوه نیاز به مصرف کنندگان انبوه دارد. از آنجا که طبقات بالا از کمیت کافی برخوردار نبودند، پس بنابراین نیاز به مصرف کنندگان انبوه به زودی نمایان شد. در تولیدهای اولیه، نخست رفع نیازهای بیولوژیک را مدنظر داشتند. اما از آنجا که نیازهای بیولوژیک انسان محدود است، لذا باید نیازهای غیربیولوژیک در جوامع برای مصرف کالاها بوجود آید. نیاز غیر بیولوژیک هم در جایی محدود می شود بنابراین نیازهای کاذب پدید آوردند که تحت دو وضعیت امکان پذیر بود: یکی رواج کالاهای بی دوام، یکی فرهنگ مصرف گرایی و کالاهای لوکس و چشم و همچشمی. در نتیجه در شهرها فروشگاه های بزرگ و لوکس چون هایپرستار ها تاسیس شد. بنابراین رقابت در خرید و مصرف به عنصر اصلی فرهنگ شهرنشینی تبدیل شد. افراد در خرید بیشتر و مصرف بیشتر از یکدیگر سبقت می گرفتند.

چگونگی شیوه های مصرف و شاکله اصلی آنها در اقتصاد اجتماعی مردم ایران بیانگر این واقعیت است که ما جامعه ای مصرفی هستیم و این در حالی است که دیاگرام مصرف ما به هیچ وجه با تولید ملی مان متناسب نیست تهران نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد.

افزایش ۶ درصدی مصرف انرژی در تهران/نیاز ۲۱ هزار میلیارد تومانی صنعت برق

معاون وزیر نیرو افزود: اگر مصرف انرژی ارزش افزوده را به دنبال داشته باشد و به تولید ملی کمک کند یک فرصت در غیراینصورت یک تهدید بزرگ محسوب می شود. وی ادامه داد: صنعت برق با وجود تحریم ها و مشکلات منابع مالی بدون خاموشی به تامین نیاز مردم پرداخته است. فلاحیان با بیان اینکه وظیفه این وزارتخانه تامین و توزیع برق است، افزود: این صنعت با وجود پرهزینه بودن توانسته بخش عظیمی از امکانات ساخت تجهیزات تولید و توزیع را در داخل تامین کند.

وی ادامه داد: درآمدهای این صنعت بدون تغییر مانده در حالیکه طی گذشت دو سال هزینه یک کیلومتر شبکه انتقال برق از یکصد میلیون تومان به ۳ میلیارد تومان رسیده است. معاون وزیر نیرو در ادامه تصریح کرد: پروژه های در حال اجرای این صنعت در کشور حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان است در حالیکه که کل هزینه های دریافتی برق حدود ۵ هزار میلیارد تومان بوده که این امر هزینه جاری این صنعت را به سختی پوشش می دهد. فلاحیان با بیان اینکه کمبود منابع مالی صنعت برق بدهی های سنگینی را به دنبال داشته افزود: نیازمند مساعدت بخش قانون گذاری کشور برای رفع موانع هستیم.

وی افزود: با توجه به افزایش مصرف برق سالانه ۵ هزار مگاوات ظرفیت اسمی باید وارد مدار شود این درحالی است که تنها ۳ هزار و ۸۰۰ مگاوات به ظرفیت نیروگاه های کشور اضافه می شود. معاون وزیر نیرو با اشاره به اینکه در سالجاری ۳ هزار مگاوات به پیک بار اضافه شده اظهار داشت: این افزایش پیک لزوم سرمایه گذاری ۷ هزار میلیارد تومانی در بخش تولید و به همین میزان در بخش توزیع و فوق توزیع را می طلبد. فلاحیان با بیان اینکه از صنعت برق باید حمایت بیشتر صورت گیرد ادامه داد: عدم حمایت ها و تامین منابع لازم خاموشی را به دنبال دارد. معاون وزیر نیرو تصریح کرد: نگاه به صنعت برق باید از حالت دولتی به اقتصادی تغییر پیدا کند و خصوصی سازی واقعی در این بخش صورت گیرد. فلاحیان با بیان اینکه از سال ۸۳ تاکنون هزینه انشعاب رشد ۶ برابری داشته افزود: عدم برابری رشد هزینه ها در قبال درآمدها این صنعت را دچار مشکل کرده است. وی همچنین تصریح کرد: صنعت برق دور بودن از هرگونه سیاست زدگی و تعامل با نگاه واقع بینانه را می طلبد چرا که حل مشکلات برق تنها با حمایت و تعامل صورت می گیرد. وی خاطر نشان کرد: مشکلات سرمایه گذاری در صنعت برق با تدابیر جدید باید رفع شود و کسب و کار

پیمانکاران رونق یابد (۶-۴۸۷۱۳۸/۴۵۵۷۱۳۸/%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%D9%8A%D8%B4-%D8%AF%D8%B1%D8%B5%D8%AF%D9%8A-%D9%85%D8%B5%D8%B1%D9%81-%D8%A7%D9%86%D8%B1%DA%98%D9%8A-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86

معرف شخصیت مصرف کننده است، جدا ساخت. یعنی گزینشهای مصرفی مردم نمایانگر ذهنیت آنان است. کالاهای و خدمات، سوای کیفیات طبیعی شان، دارای علایم رمزی نیز هستند و شاخصها و عاملان یک قشربندی اجتماعی محسوب می شوند. افراد با دسترسی یافتن به کالاهای خاص بر طبق موازین و مقیاس های جامعه نه تنها از منزلت و مقام خود، بلکه از جایگاه دیگران نیز آگاهی می یابند(بمانیان، ۱۳۸۸: ۲۰-۶۶). در شهر تهران با وجود نوعی قشربندی و تفکیک فضایی شمال و جنوب، این کالاهای غیر خوراکی هستند که به شکل عناصر هویت بخش عمل می کنند. یعنی یک فردی که در قشر بالای جامعه و از نظر فضای شهری در شمال تهران زندگی می کند از کالاهای لوکس بیشتری استفاده کرده و به همین میزان ما در این مناطق پاساژها و مجتمع های تجاری بیشتری را مشاهده می نمایم. و این فرد هرگز حاضر نمی شود به منطقه ای غیر از منطقه همسطح خود مهاجرت

داشته باشد حتی اگر پول هنگفتی را بابت اجاره بهای ساختمان پرداخت نماید. این گروه از نظر تفریحات نیز متفاوت عمل می کنند. مثلاً حضور در انجمن ها و کانون های فرهنگی یا سینما و تئاتر بالطبع می بایست در این گروه بیشتر باشد. شهرداری با توجه به مدیریت مکانی که همان سیاست یکسان سازی یا همگانی کردن امکانات برای این اقشار بوده، رشد مصرف این کالاها را با توجه به سیاست های سرمایه داری نوین یعنی توده ای کردن کالاها چه فرهنگی یا غیر فرهنگی و در دسترس قرار دادن آن ها را افزایش داده آن هم بدون در نظر داشتن میزان تولید و فشاری که به منابع شهری برای این تولید می آید. البته این شرایط در زمانی که رونق اقتصادی در سطح شهر وجود داشته باشد مشکلی را ایجاد نکرده زیرا پول نفت و بدون پشتوانه این فاصله تولید و مصرف را از طریق قدرت بخش توزیع پر می کند. و زمانی حاد بودن این مسئله خود را نشان می دهد که پول نفت تزریق شده دچار نوسان و افت گردد.

راهبردها و راهکارها:

شهرداری به عنوان نهادی که مدیریت بهینه شهری را برعهده دارد می بایست بتواند برنامه ریزی درستی در زمینه اقتصاد شهر تهران داشته باشد. اما باید این نکته را اشاره کرد که در ایران برداشت مدیران در سطح شهری و مدیریت آن عموماً مالیه شهرداری است در صورتی که بخش کوچکی را می تواند دربر گیرد. در واقع شهرداری باید بتواند سیاست های اقتصاد شهری را تدوین کند. بدین منظور بایستی در ابتدا ما به درآمد و هزینه های شهرداری اشاره کنیم: شهرداری از ارگانهای وابسته به دولت است که تا سالهای ۱۳۶۵ بخش عظیمی از درآمدهایش توسط دولت تامین می شد. اما بعد از این سال دولت کم کم کمک های خود را از شهرداری برداشت بدون اینکه منابع جدیدی جایگزین گردد (آهنگری، بی تا: ۲). در نتیجه شهرداری به سمت فروش تراکم ساختمانی و... رفت یعنی زمین و ساختمان. در اینجا بایستی اشاره کرد که در ابتدا به دلیل تزریق پول توسط دولت به شهرها، یعنی همان اقتصاد رانتی، بسیاری از بنگاه های تولیدی از بین رفتند و دلیل این امر هم قدرت یافتن بخش واسطه گری مالی بوده که شهرداری نتوانسته مدیریت فضا را در دست خود داشته باشد و بسیاری از فضاها را در اختیار این بخش واسطه ای مالی قرار داده است. برای مثال خرید یک بخش تولیدی نان توسط بانک یا پاساژهای تجاری (عابدین درکوش، ۱۳۸۲: ۱۱).

بنابراین شهرداری در ابتدا بایستی بتواند درآمد خود را از طریق مالیت های محلی تامین کند و سپس مدیریت فضا را با استفاده از مدیریت منابع مالی در اختیار بگیرد. یعنی بایستی مطابق با سطح درآمدی و هزینه هایی که هر یک از شهروندان در سطح شهر نیاز دارند واسطه های مالی را مدیریت کرد. و دیگر بیشتر سرمایه این واسطه

های مالی را در بخش تولید مصرف کرد. زیرا در زمان کنونی بیشتر سرمایه ها بر بازارهای مالی و بخش توزیع بوده و عمران شهر هم راستای با آن در حال رشد است که در واقع همان ساخت و ساز اتوبانها و خیابانها بوده است. به همین دلیل بایستی بسیاری از فضاهای شهری در اختیار پاساژها، بانک ها و خیابانها قرار گیرد که از نظر اقتصاد شهری در حال تخریب بسیاری از فضاهای تولیدی است.

علاوه بر آن شهرداری می تواند متناسب با سطح رفاه مناطق شهری در آمد خود را از طریق عوارض شهری و فروش خدمات به دست آورد. زیرا بیشتر هزینه هایی که شهروندان تهرانی متحمل می شوند در بخش غیر خوراکی بوده است. زمانی که بتوان مصرف را در سطح شهر کنترل کرد می توان تولید را به کار انداخت.

منابع:

- ❖ آهنگری، شورش؛ شیخی، غفور، [بی. تا]، نقش شهرداریها در اقتصاد شهری، با تاکید بر مسائل و مشکلات اجتماعی درون شهری در ایران، سندج: مرکز آموزش عالی علمی کاربردی
- ❖ بمانیان، محمدرضا؛ محمودی نژاد، هادی، ۱۳۸۸، اصلاح الگوی مصرف در شهر، تهران: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
- ❖ رهنمایی، محمدتقی؛ و دیگران، ۱۳۸۹، ساختارشناسی اقتصاد شهری ایران با تاکید بر نقش دولت، مطالعه موردی: سرابله، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹، صص ۴۷-۶۷
- ❖ ظهیری، هوشنگ، ۱۳۹۰، فراتحلیل مطالعات کارآفرینی و اشتغال، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ
- ❖ عابدین درکوش، سعید، ۱۳۷۲، درآمدی به اقتصاد شهری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- ❖ عابدین درکوش، سعید، ۱۳۸۲، مدیریت مالی شهر، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۳، بهار ۸۲، صص ۶-۱۱
- ❖ غیبی، محمد؛ و جاجرمی، کاظم، ۱۳۹۰، بررسی و تحلیل تحولات نظام شهری استان تهران طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، فصلنامه نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره سوم، تابستان ۹۰، صص ۲۷-۴۲
- ❖ www.atlas.tehran.ir

کتابنامه:

- ❖ کوثری، مسعود؛ نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۸۸، پتانسیل آنومی اجتماعی در مناطق حاشیه ای شهر تهران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی، دفتر گسترش تولید علم
- ❖ بمانیان، محمدرضا؛ محمودی نژاد، هادی، ۱۳۸۸، اصلاح الگوی مصرف در شهر، تهران: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
- ❖ دال، جان.پی؛ ارازم، فرانک، ۱۳۶۶، اقتصاد تولید، ترجمه محمدرضا ارسلان بد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- ❖ باکاک، رابرت، ۱۳۸۱، مصرف، ترجمه خسرو صبری، تهران: نشر و پژوهش شیرازه
- ❖ آر.مایر، ریموند، ۱۳۷۰، برنامه ریزی تولید و عملیات، ترجمه حسین ابوالحسنی، تهران: انتشارات دی
- ❖ بودریار، ژان، ۱۳۸۹، جامعه مصرفی، اسطوره ها و ساختارها، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر ثالث
- ❖ کاظمی، عباس، ۱۳۸۷، مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران، تهران: انتشارات جهاددانشگاهی
- ❖ عابدین درکوش، سعید، ۱۳۷۲، درآمدی به اقتصاد شهری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- ❖ فکوهی، ناصر، ۱۳۸۵، انسان شناسی شهری، تهران: نشر نی
- ❖ مردعلی، محسن؛ و دیگران، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی پیرامون وظایف و مأموریت های شهرداری ها و انتخاب شهرداران در شهرهای مختلف جهان، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
- ❖ مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران: ۱۳۷۶، شناخت وضعیت اجتماعی شهر تهران، شماره ۷۶-۸۶، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
- ❖ شمعی، علی؛ جهانی، رحمان، ۱۳۹۰، بررسی اثرات توسعه عمودی شهر بر هویت محله ای (مطالعه موردی: منطقه ۷ تهران)، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ششم، زمستان ۹۰، صص ۷۳-۸۲
- ❖ مهدوی وفا، حبیب اله؛ و دیگران، ۱۳۸۷، نقش اقتصاد سیاسی در ساختار فضایی تهران و پیرامون، مجله محیط شناسی، سال سی و پنجم، شماره ۵۰، تابستان ۸۸، صص ۱-۱۴

- ❖ حائری، محمدرضا، [بی.تا]، فضای سیاسی و سیاست فضا در شهر تهران، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، گفتگوی ۶۹-۸۵
- ❖ قرخلو، مهدی؛ زنگنه شهرکی، سعید، ۱۳۸۷، شناخت الگوی رشد کالبدی-فضایی شهر با استفاده از مدل های کمی (مطالعه موردی: شهر تهران)، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۰، شماره ۲، تابستان ۸۸، صص ۱۹-۴۰
- ❖ محمدزاده اصل، نازی؛ و دیگران، ۱۳۸۹، رتبه بندی شاخص های رفاه شهری مناطق مختلف شهر تهران، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره اول، تابستان ۸۹، صص ۸۵-۱۰۶
- ❖ پروین، ستار؛ و دیگران، ۱۳۹۱، شناسایی شاخص های اجتماعی به منظور تدوین مدل اولویت بندی موضوعات و مسائل حوزه شهری، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران
- ❖ استانداری تهران؛ دفتر آمار و اطلاعات، ۱۳۸۹، سالنامه آماری استان تهران، تهران: معاونت برنامه ریزی استان
- ❖ غیبی، محمد؛ و جاجرمی، کاظم، ۱۳۹۰، بررسی و تحلیل تحولات نظام شهری استان تهران طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، فصلنامه نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره سوم، تابستان ۹۰، صص ۲۷-۴۲
- ❖ اطهری، کمال، ۱۳۸۹، اقتصاد شهری و اقتصاد شهر در ایران، مجله اقتصاد شهر، شماره ۷، پاییز ۸۹، ویژه نامه، صص ۵۶-۶۵
- ❖ عابدین درکوش، سعید، ۱۳۸۲، مدیریت مالی شهر، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۳، بهار ۸۲، صص ۶-۱۱
- ❖ رهنمایی، محمدتقی؛ و دیگران، ۱۳۸۹، ساختارشناسی اقتصاد شهری ایران با تاکید بر نقش دولت، مطالعه موردی: سرابله، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹، صص ۴۷-۶۷
- ❖ ظهیری، هوشنگ، ۱۳۹۰، فراتحلیل مطالعات کارآفرینی و اشتغال، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ
- ❖ قاضی طباطبایی، محمود؛ و دادحیر، ابوعلی، ۱۳۸۹، فراتحلیل در پژوهش های اجتماعی و رفتاری، تهران: جامعه شناسان

❖ فاضلی، نعمت الله، ۱۳۹۱، فرهنگ و شهر؛ چرخش فرهنگی در گفتمان های شهری با تکیه

بر مطالعات شهر تهران، تهران: تپا

❖ پورموسوی، سید موسی، ۱۳۹۱، شبکه منطقه ای-جهانی و ابعاد مالیه آن در کلان شهر

تهران، مجله اقتصاد شهر، شماره شانزدهم، زمستان ۹۱، بخش ویژه، صص ۲۲-۳۳

❖ یزدانی، فردین، ۱۳۸۲، تولید رانت؛ گرانیگاه نظام درآمدی شهرداری ها، فصلنامه مدیریت

شهری، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۲، صص ۱۲-۱۷